

جایگاه حضرت حمزه در آثار علامه سید جعفر مرتضی عاملی (مورد مطالعه: الصحيح من سیره النبی الاعظم صلی الله علیه و آله)

مریم سعیدیان جزی^۱

چکیده

حمزه بن عبدالمطلب از شخصیت‌های مشهور و نقش‌آفرین تاریخ صدر اسلام است و گزارش‌های بسیاری درباره وی در منابع اسلامی آمده است. این تحقیق با روش کتابخانه‌ای و شیوه مطالعه تاریخی به بررسی شخصیت و جایگاه حضرت حمزه بن عبدالمطلب در کتاب الصحيح من سیره النبی الاعظم، اثر علامه سید جعفر مرتضی عاملی می‌پردازد. تبیین علامه درباره شخصیت حمزه پیوسته با موضوع کلی این کتاب است. علامه مباحث مرتبط با حضرت حمزه را از منابع مختلف استخراج، دسته‌بندی و ارزیابی می‌کند. رویکرد ایشان در این حوزه در سه محور قابل بررسی است: تبیین شخصیت و جایگاه حمزه در تاریخ اسلام، ارزیابی سندی و محتوایی اخبار موجود، نقد و تنقیح عقاید و اندیشه‌های برگرفته از این اخبار بر پایه تفکر دینی و آموزه‌های شیعی. تمایز این کتاب با دیگر آثار موضوعی مرتبط، بررسی سندی و محتوایی اخبار و تحلیل آن با استفاده از شیوه ترکیبی و فهم درون دینی است.

کلیدواژگان

حمزه بن عبدالمطلب، اهل البصائر، اهل البیت (علیهم السلام)، سیدالشهدا، الصحيح من سیره النبی الاعظم، علامه عاملی.

۱. دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان. تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۶/۳ - تاریخ تأیید ۱۴۰۰/۷/۱۰.

مقدمه

علامه سید جعفر مرتضی عاملی (۱۳۶۴-۱۴۴۱ ق) عالم شیعی و از محققان برجسته تاریخ اسلام و تشیع در دوران معاصر به شمار می‌رود. او آثار متعددی را در این زمینه تألیف نموده است که از آن جمله می‌توان به کتاب گران سنگ الصحيح من سیره النبی الأعظم اشاره کرد. نقد و ارزیابی سندی و محتوایی روایات، رویکرد اجتهادی، به‌کارگیری دانش تاریخ و سیره در راستای تقویت باورهای دینی و دفاع از معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) از جمله ویژگی‌های ممتاز ایشان است.

کتاب الصحيح، یکی از منابع مهم برای شناخت سیره رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در دوران معاصر به شمار می‌رود و در ۳۵ مجلد تنظیم و منتشر شده است. در این پژوهش از متن اصلی کتاب که در دارالحدیث قم و در سال ۱۴۲۶ قمری انتشار یافته و نسخه الکترونیکی چاپ چهارم آن در نرم‌افزار سیره معصومان موجود است؛ استفاده شده است. موضوعات مرتبط با حضرت حمزه در مجلدات ۳۳، ۱۸، ۱۶، ۱۴، ۱۱، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱، ۲۰، ۱۹ این کتاب آمده است.

علامه در راستای بازشناسی سیره رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، به تبیین شخصیت حمزه پرداخته و اخبار آن را از منابع مختلف استخراج، ارزیابی و قالب‌بندی می‌کند. در این کتاب ابعاد مختلف زندگی حمزه شامل نسب و خاستگاه، گرایش به اسلام و همراهی با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و فضایل و شایستگی‌های وی مورد توجه قرار گرفته است. ایشان در بحث پیرامون جناب حمزه ۲۳۲ منبع را بررسی کرده که ۱۴۳ مورد به نقل خیر و ۸۹ منبع ناظر بر تائید یا نقد و نظر آن است. از این تعداد ۳۲ منبع شیعی و بقیه از متون عامه و سایر مراجع اسلامی است.

در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با شیوه مطالعه تاریخی، شخصیت حمزه بر اساس دیدگاه علامه سید جعفر مرتضی توصیف و رویکرد و روش و منابع ایشان مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت و برخی از منابع مورد استفاده ایشان مورد استناد دوباره قرار گرفت. از آنجاکه تاکنون درباره شخصیت حمزه از

منظر علامه سید جعفر مرتضی پژوهشی انجام نشده؛ نمی‌توان پیش‌پینه‌ای برای تحقیق پیش رو برشمرد؛ اما آنچه این تحقیق را فارغ از واکاوی دیدگاه علامه بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد؛ پرداختن به ابعاد شخصیت حمزه، روشمندی علمی حاکم بر طرح و راهبری موضوع و چندوجهی بودن این دیدگاه به لحاظ احاطه بر سایر علوم اسلامی و ارزیابی دیدگاه‌های رقیب است.

علامه در طرح مباحث پیرامون شخصیت حمزه از شیوه ترکیبی استفاده می‌کند. او در تبیین تاریخی رویکرد گزینشی دارد و بررسی سندی و محتوایی را ملاک رد یا پذیرش اخبار قرار می‌دهد. در رویکرد فرا تاریخی به دنبال آن است تا اندیشه‌ها و اغراض را از منظر یک متفکر دینی به بحث بگذارد.

جامعیت مباحث ارائه شده درباره حمزه بیانگر قدرت علمی، دقت نظر، انصاف و آزاداندیشی علامه است. ایشان با بهره‌گیری از منابع متنوع و متعدد اسلامی و آگاهی نسبت به گرایش‌های فرقه‌ای و اغراض نویسندگان به دنبال کشف حقیقت به تبیین علل و تحلیل ادله در اسناد و اخبار پرداخته و داده‌های موجود را از جهت سندی و متنی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. علامه از مباحث روایی، کلامی، فقهی و تاریخی برای تبیین بحث و پاسخ به شبهات پیرامون این موضوع بهره می‌برد. او از آموزه‌های قرآنی، سنت، عقل و اجماع بهره شایسته برده و به جهت احاطه بر دانش علم حدیث، اصول فقه، احکام، سیره و تاریخ؛ مسائل و قضایای پیرامون یک رخداد تاریخی را بررسی و دیدگاه استنباطی و گاه فقه اجتهادی، حدیثی و کلامی خود را بیان می‌کند؛ بدون آنکه از اصل موضوع جا بماند.

علامه در موارد متعدد با طرح نظریات رقیب، زمینه را برای ارائه یک مباحثه وزین علمی فراهم نموده و با دقت نظر احتمالات مختلف را در نظر می‌گیرد. در موارد متعدد مانند شهادت حمزه آن را از زوایای مختلف مورد ارزیابی قرار می‌دهد. علامه اگرچه در طرح مسائل مورد بحث درباره حمزه دقت نظر دارد؛ اما در برخی موارد مانند سن حمزه دچار تناقضاتی شده است. گاه نیز پاسخ به

سؤال‌اتش را به مخاطب وامی‌گذارد.^۱

شیوه بحث و تنوع مسائلی که در این کتاب آمده؛ بیانگر آن است که علامه در صدد ارائه الگوی جامع در سه سطح دانشی، رفتاری و بینشی بوده است. مهارت‌آموزی، شیوه تتبع و خردورزی، نقد و ارزیابی، مباحثه و گفتگو، ترسیم الگوی شایسته از سیره رسول‌الله (صلی‌الله علیه وآله) و اصحاب برجسته آن حضرت مانند حمزه و به‌کارگیری آن در جامعه امروز از نقطه‌نظر یک شیعه متعهد و اهل دانش و انصاف؛ از جمله درس‌های مهمی است که در محضر استاد و از کتاب ارزشمند الصحیح به دست آمد. محورهای مورد توجه علامه درباره حمزه بر اساس کتاب الصحیح عبارت‌اند از:

۱- خاستگاه و موقعیت خانوادگی:

علامه عاملی درباره جایگاه حمزه در بین فرزندان عبدالمطلب و نسبت سنی وی با دیگر برادرانش اخبار مختلف را نقل و مورد ارزیابی قرار می‌دهد و برخلاف نظر ابن سعد (م ۲۳۰ ق) عباس (م ۳۲ ق) و عبدالله و حمزه را از یک مادر می‌داند. وی با رد دیدگاه ابن هشام (م ۲۰۳ ق)^۲، معتقد است عبدالله، کوچک‌ترین فرزند عبدالمطلب نبوده است.^۳

علامه با بررسی روایی و سندی اخبار موجود^۴ به این نتیجه دست یافته که حمزه در یوم النذر سن کمی داشت^۵ چراکه وقتی عبدالمطلب از دنیا رفت؛ عباس

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۱۹، ص ۶۲.

۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۶.

۳. ابن هشام، سیره نبویه، ج ۱، ص ۱۰۸-۱۰۹.

۴. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۲، ص ۴۳-۴۴، ص ۷۶-۷۴.

۵. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۷۲-۷۳؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۲،

ص ۱۵۸؛ ذهبی، شمس‌الدین، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، ج ۱، ص ۴۴؛ حلبی،

ابوالفرج، سیره الحلبیه، ج ۱، ص ۵۸ و ۱۲۵.

۶. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۲، ص ۷۶-۷۴. یوم النذر روزی است

که عبدالمطلب به عهدی که با خدا کرده بود؛ خود عمل نمود و به‌جای عبدالله، فرزندش، ۱۰۰ شتر را

و حمزه خردسال بودند.^۱ ایشان با همین استدلال^۲ اخبار مربوط به خواستگاری حمزه^۳ و نقش وی در اجرای خطبه عقد ازدواج حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) با حضرت خدیجه (س)^۴ را رد و از نقش حضرت ابوطالب (م ۱۰ بعثت) به جای وی نام می برد. دریافت علامه در این زمینه، برگرفته از اتفاق مورخان و روش استنباطی او است.^۵

علامه، گزارش سیره نویسان درباره اینکه ثویبه، کنیز ابولهب^۶، حمزه، ابوسلمه بن عبدالاسود مخزومی (ع ۴ق)^۷ و حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) را شیر داد و اینها برادر رضاعی هستند^۸؛ را نادرست^۹ و آن را متناقض و فاقد اعتبار می داند.^{۱۰}

علامه درباره اختلاف سن حمزه و حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) دو تحلیل متفاوت ارائه می دهد که قابل جمع نیست. ایشان در مواردی که مربوط به

نحر کرد. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۲، ۲۳۹-۲۴۱؛ ذهبی، شمس الدین، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، ج ۵، ص ۲۳۱.

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۲، ص ۷۴-۷۶

۲. همان، ص ۱۱۸-۱۱۹

۳. ابن هشام، سیره نبویه، ج ۱، ص ۱۹۰-۱۸۹؛ بیهقی، ابوبکر، دلائل النبوة، ج ۱، ص ۲۰.

۴. حلبی، ابوالفرج، سیره الحلبیه، ج ۱، ص ۲۰۰.

۵. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۲، ص ۱۰۹ رجوع کنید به پیوست ۱.

۶. ثویبه، کنیز ابولهب که در سال ۷ هجری از دنیا رفت. او حمزه، ابوسلمه و رسول الله (ص) را شیر

داد. عسقلانی، ابن حجر، الإصابه، ج ۸، ص ۶۰.

۷. ابوسلمه مخزومی از مهاجران به حبشه و سپس یثرب بود. در غزوه احد زخمی و چندی بعد به شهادت رسید. همسر وی ام سلمه است که بعد از ابوسلمه با رسول الله (ص) ازدواج کرد. عسقلانی،

ابن حجر، الإصابه، ج ۳، ص ۳۴۳.

۸. بلاذری، احمد، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۴-۹۵.

۹. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۲، ص ۸۲.

۱۰. همان، ج ۲، ص ۴۴-۴۵، ص ۷۴-۷۵، ص ۸۲.

شیر دادن ثویبه^۱، یوم النذر و وفات عبدالمطلب است؛ روایات ناظر بر بالغ و رشید بودن حمزه و عباس را رد می‌کند^۲. حمزه را کوچک‌تر از عبدالله می‌داند و بر این عقیده است که حمزه و حضرت محمد (صلی‌الله علیه وآله) ۲-۴ سال فاصله سنی داشتند^۳. از سوی دیگر در بحث گرایش حمزه به اسلام تصریح می‌کند که حمزه بیش از ۲۰ سال از عبدالله بزرگ‌تر بود و عبدالله، کوچک‌ترین فرزند عبدالمطلب بوده است^۴.

۲- تشریف به اسلام: این موضوع از دو جهت مورد توجه علامه قرار گرفته است. نخست؛ زمان و مکان اسلام‌پذیری: مطابق آنچه از کتاب الصحیح به دست می‌آید^۵؛ نمی‌توان درباره سیر و زمان اسلام‌پذیری حمزه نظر صریحی ارائه داد. هرچند علامه به‌طور تقریبی درباره سال سوم بعثت بیشتر تأکید می‌کند اما آنچه درباره گرایش حمزه به اسلام بر آن تصریح کرده مربوط به بعد از مواجهه او با ابوجهل و قریش^۶ و موافق خبر ابن‌اسحاق (م ۱۵۱. ق) است^۷. ایشان البته احتمالات دیگر را هم کاملاً رد نمی‌کند و بعضاً به سبب ضعف سند و عدم وجود قرینه‌های مرتبط مانند شرایط زمانی مورد خدشه قرار می‌دهد^۸. گزارش‌های مختلف در این خصوص عبارت‌اند از: قبل از یوم‌الدار^۹، در سال دوم

۱. عسقلانی، ابن‌حجر، الإصابه، ج ۴، ص ۲۵۸؛ سمهودی، نورالدین علی، وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۱۰۶.

۲. بلاذری، احمد، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۸۴؛ عسقلانی، ابن‌حجر، الإصابه، ج ۲، ص ۱۰۵.

۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۲، ص ۷۴-۷۶.

۴. همان، ج ۳، ص ۷۰-۶۹.

۵. همان، ج ۳، ص ۶۸-۶۹.

۶. همان، ص ۶۰-۶۸، ص ۱۵۳.

۷. ابن‌هشام، سیره نبویه، ج ۱، ص ۲۹۱-۲۹۲.

۸. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۷۰-۶۹.

۹. ابن‌تیمیه، منهاج السنه النبویه، ج ۷، ص ۳۰۷.

بعثت^۱؛ در دعوت خویشاوندان^۲، در خانه ارقم^۳ (در سال سوم بعثت)، پس از هجرت به حبشه (در حدود سال ۶ بعثت)^۴ و مواجهه حمزه با ابوجهل^۵.

علامه در راستای این بحث برخی گزارش‌های مربوط به هم‌زمانی گرایش عمر بن خطاب و حمزه به اسلام^۶ و نیز سبقت عمر بر حمزه^۷ را رد می‌کند^۸. استدلال او استناد به قول مفسران عامه^۹ و شیعه است که نزول آیه ۶۴ سوره انفال را در مدینه و سبب آن را غیر از شخص عمر دانستند^{۱۰}. دیگری آنکه وقتی عمر به دیار پیامبر (صلی الله علیه وآله) آمد؛ حمزه نزد آن حضرت بود^{۱۱}. نتیجه آنکه حمزه قبل از عمر مسلمان شد^{۱۲}.

دوم؛ کیفیت و اعتبار تشریف به اسلام: بر اساس نظر علامه، اسلام حمزه از سر اندیشه و بازگشت به خویشتن است. حمزه بر اساس ادراک عقلی و فطرت خداجوی خود به رسالت پیامبر (صلی الله علیه وآله) ایمان آورد. او امور را با معیار عدل سنجید؛ دیگران را در مسیری که خود در آن قرار داشت؛ هدایت کرد و آن‌ها را برای رسیدن به مقصد مطلوب یاری نمود و از هرگونه تجاوز

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۱۵۱.

۲. بیهقی، ابوبکر، دلائل النبوه، ج ۲، ص ۱۷۹ و ۲۱۳.

۳. عسقلانی، ابن حجر، الإصابه، ج ۴، ص ۴۸۶.

۴. ابن هشام، سیره نبویه، ج ۱، ص ۳۴۲-۳۴۳.

۵. همان، ص ۲۹۲.

۶. همان، ص ۳۴۶ و ۴۱۷.

۷. سیوطی، جلال‌الدین، الدرالمثور، ج ۳، ص ۲۰۰.

۸. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۱۸۹.

۹. سیوطی، جلال‌الدین، الدرالمثور، ج ۳، ص ۲۰۰.

۱۰. طوسی، محمدبن حسن، التبیان، ج ۵، ص ۱۵۲.

۱۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۱۸۹.

۱۲. همان، ص ۱۵۱-۱۵۲؛ ابن هشام، سیره نبویه، ج ۱، ص ۳۴۶؛ طبری، محمدبن جریر، تاریخ الأمم و

الملوک، ج ۲، ص ۳۳۴-۳۳۵.

بازداشت. این امر از دو مسئله مهم نشئت می‌گرفت: ۱- ایمان به پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) ۲- جوانمردی و پایداری حمزه در یاری پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) و دفع مشرکان.^۱ از این رو حمزه در زمره «اهل البصائر» قرار دارد.^۲

۳- جایگاه حمزه در دوران مکی دعوت: از رخدادهای مهم در این زمینه مربوط به دعوت خویشاوندان و حضور حمزه است. توجه علامه از دو جهت قابل بررسی است. نخست؛ ایشان تأمل خاصی درباره حدیث انذار دارد^۳ و به‌طور ضمنی می‌پذیرد که حمزه در یوم الانذار حضور داشت.^۴ چراکه بنوع‌المطلب و عموهای آن حضرت و از آن جمله حمزه در این میهمانی حضور داشتند.^۵ دوم؛ علامه ادعای ابن تیمیه (م. ۷۲۸. ق)^۶ در انکار حدیث الدار را بر پایه دشمنی او با امام علی (ع) می‌داند و با ایجاد خدشه در این اسناد و نیز طرح جایگزین حمزه، جعفر بن ابی طالب (م. ۸. ق) و عبیده بن حارث مطلبی (م. ۲. ق)؛^۷ بر این عقیده است که این ادعاها ناشی از تعصب^۸ و کج‌اندیشی افرادی چون ابن تیمیه (م. ۷۲۸. ق) است.^۹

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۱۵۴-۱۵۲.

۲. همان، ج ۸، ص ۳۲.

۳. همان، ج ۳، ص ۶۹-۸۰.

۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۲، ص ۳۱۸-۳۱۹. حسان، عبیدالله، شواهد تنزیل، ج ۱، ص ۵۴۲-۵۴۳.

۵. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۶۱-۶۰.

۶. احمد بن عبد الحلیم بن عبدالسلام مشهور به ابن تیمیه (۶۶۱-۷۲۸ ق.) دمشق، ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۱۳، ص ۲۴۱. از علمای سنی حنبلی است. همان، ج ۱۴، ص ۱۳۶-۱۳۸. ابن تیمیه به خاطر برخی دیدگاه‌های خاص مورد تعقیب و سؤال معاصران خود گرفت. همان، ص ۴. منهاج السنه از آثار او است: یکی از اسناد حلبی در کتاب السیره، ابن تیمیه است که به همین مناسبت علامه هم به سیره حلبی و هم آثار ابن تیمیه مراجعه و آنها را ارزیابی می‌کند.

۷. ابن تیمیه، منهاج السنه النبویه، ج ۱، ص ۳۰۷-۳۰۸.

۸. عسقلانی، ابن حجر، لسان المیزان، ج ۴، ص ۴۲.

۹. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۶۰-۶۸.

موضوع دیگر؛ مواجهه حمزه با ابوجهل (م. ۲. ق) در کوه صفا است. علامه این رخداد را بر اساس گزارش ابن هشام و طبری (م. ۳۱۰. ق) روایت می‌کند.^۱ مطابق این خبر، حمزه از اهانت و ناسزاگویی ابوجهل به پیامبر (صلی الله علیه وآله) عصبانی شد و باهدف هواداری از آن حضرت، ضربه محکمی به ابوجهل زد. حمزه، حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) را فرستاده خدا و کلامش را حق دانست و آن را تصدیق نمود و خود را پیرو دین حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) خواند.

دقت نظر علامه، درباره گفتگوی حمزه با ابوجهل ما را به چند نکته مهم رهنمون می‌سازد: درک صحیح حمزه از اسلام، انس و رفاقت او با پیامبر (صلی الله علیه وآله)، مشاهده سلوک و مواقف ایشان و در نهایت اهتمام او برای دفاع از پیامبر (صلی الله علیه وآله).^۲

با توجه به شخصیت ابوجهل و دشمنی آشکار او با اسلام و رسول الله (صلی الله علیه وآله) این پرسش مطرح می‌شود که چرا ابوجهل از حمزه ترسید یا در برابر او مقاومتی نشان نداد؟ و به تعبیر علامه، چرا ابوجهل به یک «خفت آشکار» تن داد؟ پاسخ عالمانه علامه به این مسئله از سه جهت قابل بررسی است. نخست؛ شخصیت حمزه و شناختی که ابوجهل نسبت به او داشت. علامه این محور را از سه جنبه مورد توجه قرار می‌دهد: ۱- جوانمردی، شکست‌ناپذیری، ابهت^۳ و پهلوانی حمزه. ۲- تصمیم پایدار و عزم او. ۳- آشکار کردن حق و جان‌فشانی حمزه برای دین و عقیده.

دوم: هراس ابوجهل از مرگ، دل‌بستگی او به دنیا و عدم آمادگی ابوجهل برای رویارویی با حمزه و بنی‌هاشم. سوم: نگرانی ابوجهل و قریش از پیوستن بنی‌هاشم به اسلام^۴ و گسترش دعوت رسول الله (صلی الله علیه وآله). این دلایل

۱. ابن هشام، سیره نبویه، ج ۱، ص ۲۹۲؛ طبری، محمدبن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۲، ص ۳۳۴.

۲. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۱۵۴-۱۵۲.

۳. همان، ج ۵، ص ۴۵.

۴. همان، ج ۳، ص ۱۵۴-۱۵۵.

سبب شناخت عظمت حمزه و جایگاه او در شکست جبروت قریش و یاری اسلام و پیامبر (صلی الله علیه وآله) می شود. علامه مواجهه حمزه با ابوجهل را زمینه‌ای برای افشای ارتباط او با اسلام و همراهی پیامبر (صلی الله علیه وآله) می داند و موضع او را با ابوطالب همانند می کند. او از همراهی و رابطه حمزه و ابوطالب استفاده می کند تا دیدگاه خود را درباره سبقت حمزه در اسلام و یاری رسول الله (صلی الله علیه وآله) بیان کند.^۲

علامه بر نقش ابوطالب در جهت‌دهی حمزه تأکید می کند و بر این باور است که حمزه با آگاهی از اعتقاد ابوطالب نسبت به دعوت رسول الله (صلی الله علیه وآله)^۳ و با نظر او از پیامبر (صلی الله علیه وآله) دفاع کرد.^۴ او به همین مناسبت تقیه را از اصول مسلم اعتقادات اسلامی می داند. بر این اساس و مطابق گزارش‌های تاریخی دو احتمال درباره زمان و کیفیت حضور حمزه در این موقعیت مطرح است که علامه به نقل آن‌ها بسنده نموده و نظر دیگری ندارد. نخست؛ درباره ملاقات مردم یثرب با رسول الله (صلی الله علیه وآله) است که به‌طور حتم مربوط به سال‌های پس از بعثت رسول الله (صلی الله علیه وآله) است.^۵ در این واقعه حمزه پیامبر (صلی الله علیه وآله) را همراهی می کرد و هم پای علی بن ابیطالب (علیه السلام) (شهادت ۴۰ ق) مانع تهدید و آزار مردم و مسلمانان شد. احتمال دوم آنکه قریش وقتی از اجتماع عقبه منا باخبر شدند سلاح برگرفته و قصد مسلمانان را کردند؛^۶ حمزه این قضیه را به پیامبر (صلی الله علیه وآله) خبر

۱. ابن هشام، سیره نبویه، ج ۱، ص ۲۹۳.
 ۲. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبى الأعظم، ج ۳، ص ۷۰-۶۹ ابن هشام، سیره نبویه، ج ۱ ص ۳۵۰.
 ۳. همان، ج ۱۴ ص ۲۱۴-۲۱۵.
 ۴. همان، ج ۳ ص ۲۱۷.
 ۵. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، ج ۱ ص ۱۴۲-۱۴۳.
 ۶. همان، ص ۱۴۳.

داد^۱. مطابق این امر سلوک حمزه در تبعیت از ابوطالب و برای حفاظت از جان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و میدان داری در برابر رفتار قریش و خنثی کردن دسیسه های آنها بود^۲.

۴- نقش و موقعیت حمزه پس از هجرت به مدینه: توجه علامه در این محور معطوف به برخی از ابعاد شخصیت حضرت حمزه است و عموماً رویکرد نقلی، تحلیلی و انتقادی دارد. او اگرچه مخاطب را با این پرسش روبرو می کند که موقعیت حمزه در زمان هجرت رسول الله (صلی الله علیه و آله) به مدینه چه بود؟^۳ اما پاسخی به این پرسش خود نداده است. شاید یکی از دلایل این امر تمرکز ایشان بر ارزیابی اخبار و پیرایش سیره از شبهاتی است که منابع سیره را سیراب کرده است.

بر اساس نظر علامه، هجرت مسلمانان به مدینه دلایل متعددی داشت که از آن جمله است: سختی شرایط و ضعف مسلمانان، وفات ابوطالب، توطئه قریش برای قتل پیامبر (صلی الله علیه و آله)^۴. با توجه به جایگاه حمزه بعد از رحلت ابوطالب می توان چنین دریافت کرد که او از آخرین کسانی بود که پیش از رسول الله (صلی الله علیه و آله) از مکه خارج و در محله قبا مستقر شد.

علامه در قضیه مواخاه بر اصالت این پیمان در مدینه و بین مهاجران و انصار تصریح می کند. او از دو پیمان سخن می گوید: ۱- پیمان برادری برخی از مهاجران با یکدیگر با اختلاف نظر درباره قبل^۵ یا بعد از هجرت. ۲- مواخاه مهاجران و انصار^۶؛ اما قبل از هجرت نامی از حمزه نیامده و به مواخاه مهاجران و انصار اکتفا

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۳۱۶-۳۲۲.

۲. همان، ج ۳ ص ۱۰۶.

۳. همان، ج ۳ ص ۳۵۰.

۴. همان، ج ۳ ص ۳۴۶، ج ۴ ص ۲۲۹.

۵. حلبی، ابوالفرج، سیره الحلبیه، ج ۲ ص ۲۰؛ نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص

۱۴.

۶. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۸۴.

شده است. در این زمینه علامه بر نظر ابن حبان اعتماد کرده است.^۱ پیامبر (صلی الله علیه وآله) در قضیه «مواخات» مدینه؛ بر اساس دو اصل «حق و مواساة» بین حمزه و زید بن حارثه پیمان بست.^۲ علامه دلیل اصلی مواخات حمزه و زید را به طور روشن نمی آورد و مسئله مهاجری بودن آن دو را در پوسته یک سؤال که نیازمند بررسی است، مطرح می کند.^۳ علامه با طرح مسئله همسانی شان و منزلت و شباهت، هدف از این پیمان را حمایت، همکاری و جلب محبت افراد نسبت به یکدیگر می داند.^۴ ایشان اگرچه موضوع وصایت زید^۵ را مستند به منابع تاریخی آورده^۶؛ اما همو در نسبت بین مواخاة با توارث و وصایت؛ تشکیک کرده و بر اساس ادله فقهی، اسباب النزول^۷ و شواهد مربوط به سیره رسول الله (صلی الله علیه وآله)؛ این اخبار مربوط را قابل پذیرش نمی داند.^۸ علامه گزارش پر سؤالی که سیره نویسان درباره اختلاف زید و علی و جعفر مورد تأکید قرار می دهد^۹ و با دو روش شناختی و اسنادی بحث و گفتگو در این باره را نسبتاً به تفصیل بیان می کند.^{۱۰} ایشان با طرح ۴

۱. ابن حبان، محمد، الثقات، ج ۱، ص ۱۳۸-۱۴۲.

۲. حلبی، ابوالفرج، سیره الحلبیه، ج ۲ ص ۹۲-۹۳.

۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۴ ص ۲۳۶.

۴. همان ج ۴ ص ۲۳۵.

۵. ابن هشام، سیره نبویه، ج ۱ ص ۵۰۵.

۶. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۱۴ ص ۶۰.

۷. ابن سعد، الطبقات الکبری ج ۱ ص ۱۸۴.

۸. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۴ ص ۲۲۶-۲۲۷.

۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۱۳؛ واقدی، ۱۴۰۹: ۳ ص ۵۷، نیشابوری،

حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۰.

۱۰. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۴، ص ۲۳۶.

مقدمه که دو مورد آن سؤالی است در صحت این گونه اخبار تردید نموده است.^۱ دومین مسئله رد شبهه ابن تیمیه است.^۲ چراکه ابن تیمیه اصالت و حجیت پیمان مواخات را انکار یا حداقل فضیلت آن را درباره امام علی (علیه السلام) رد و همه مسلمانان را در این اخوت دینی شرکت می دهد.^۳ علامه ضمن ارائه شواهد و ادله سندی و روایی و تاریخی مبنی بر واقعیت این قضیه بار دیگر غرض ابن تیمیه و دیگر ناصبی ها را دشمنی نسبت به علی (علیه السلام) و خاندان مطهر او می داند.^۴ سومین موضوع، مربوط به امور نظامی است. هرچند علامه قصد ورود جدی به غزوات و سرایا را ندارد؛ اما برخی از آن ها را به جهت روشنگری و بیان برخی حقایق و چه بسا رفع شبهات و اعتبار سنجی آن مورد توجه قرار می دهد.^۵ در همین رابطه علامه به سریه حضرت حمزه در سیف البحر (عیص) و مقابله او با کفار می پردازد. ابن هشام از برخی اقوال نقل کرده؛ نخستین پرچمی که در اسلام برافراشته شد؛ از آن حمزه بود.^۶ به نظر می رسد علامه بر این مبنا و شاید هم نظر با واقدی^۷ می نویسد سریه حمزه نخستین سریه ای بود که پس از هجرت و به فرمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) انجام گرفت.^۸ اشاره به یک نکته ظریف در این سریه خالی از لطف نیست و آن رویارویی دوباره حمزه و ابوجهل و اشعاری است که این دو در رد یکدیگر گفتند.^۹

۱. همان ج ۴، ص ۲۳۶.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۴۵، ج، ص ۲۲۹.

۳. ابن تیمیه، منهاج السنه النبویه، ج ۲، ص ۱۱۹.

۴. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۴، ص ۲۳۴.

۵. همان، ج ۴، ص ۳۳۳.

۶. ابن هشام، سیره نبویه، ج ۱، ص ۵۱۶.

۷. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۱، ص ۹؛ عسقلانی، ابن حجر، الإصابه، ج ۴، ص ۳۵۳.

۸. همان، ج ۴، ص ۳۳۳ بیهقی، ابوبکر، دلائل النبوه، ج ۱، ص ۵۶؛ ابن هشام، سیره نبویه، ج ۱، ص

۵۹۶.

۹. ابن هشام، سیره نبویه، ج ۱، ص ۵۹۶-۵۹۷.

قضیه دیگر مربوط به حضور فعال حمزه در غزوه بدر^۱ و گفتگوی پیه امیر (صلی الله علیه وآله) با وی و دو تن دیگر از جنگاوران ارشد مسلمانان یعنی امام علی بن ابیطالب (علیه السلام) و عبیده بن حارث مطلبی است.^۲ علامه موقعیت حمزه را در غزوه بدر در چند محور اصلی مورد توجه قرار داده است. نخست؛ هم‌رأیی با رسول الله (صلی الله علیه وآله) در چگونگی مواجهه با کفار قریش^۳. دوم؛ اخلاص و روزه‌دار بودن حمزه^۴. سوم؛ رشادت و شجاعت او در رویارویی با مشرکان^۵. آخرین صحنه حضور و مشارکت حمزه مربوط به غزوه احد است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵- شهادت حمزه: قریش برای جبران شکست بدر (۲. ق) و توطئه قتل سه تن یعنی رسول الله (صلی الله علیه وآله)، امام علی بن ابیطالب (علیه السلام) و حمزه بن عبدالمطلب دست بکار شدند.^۶ اقدام هند بنت ربیعہ (م. ۱۴. ق) در مثله کردن بدن حمزه^۷، اهانت ابوسفیان بن حرب (م. ۳۲. ق) به پیکر حمزه^۸ و دیگر رفتارهای نادرستی که سبب جریحه‌دار شدن قلب رسول الله (صلی الله علیه وآله) و مسلمانان شد؛ نشان می‌دهد که مشرکان از جایگاه حمزه نزد پیه امیر (صلی الله علیه وآله) هراس داشتند. علامه، رد پای سیاست‌بازان، اهل کتاب^۹، منافقان^{۱۰} و

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ۴، ص ۳۵۲-۳۵۳.

۲. عسقلانی، ابن حجر، الإصابه، ج ۴، ص ۳۵۳.

۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۸۸.

۴. همان، ۵، ج، ص ۲۹۰-۲۹۳؛ علامه از این خبر برای رد شبهه شراب‌خواری حمزه استفاده می‌کند.

۵. همان، ج ۶، ص ۱۴۹.

۶. همان، ص ۷۹؛ واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۱، ص ۲۸۵.

۷. ابن هشام، سیره نبویه، ۲، ص ۹۱؛ بیهقی، ابوبکر، دلائل النبوه، ج ۳، ص ۲۱۴.

۸. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۷۳؛ ابن هشام، سیره نبویه، ج

۲، ص ۹۳.

۹. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۷۱.

۱۰. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۷۳.

تازه مسلمانان مانند اُبی بن کعب انصاری خزر جی (م. ۳۰. ق) را در ارزیابی سندی و محتوایی این اخبار کشف و از این جهت برخی از آن‌ها را مخدوش یا نادرست دانسته^۱ و با استناد به منابع فریقین بر این نکته تأکید می‌کند که سیاق آیه ۱۶۹ آل عمران در تائید حمزه و رد منافقان است.^۲

روایت علامه از جایگاه حمزه در احد و چگونگی شهادت او بر اساس مسانید منتخب است و مراثی^۳، بی‌تابی صفیه (م. ۲۰. ق)، خواهر حمزه^۴، حالات پیامبر (صلی الله علیه و آله)^۵ و دستور گریه زنان بر حمزه^۶ را شرح می‌دهد. علامه برخلاف حلبی^۸، زمان شهادت حمزه را پس از کشته شدن پرچم‌داران قریش و فرار مشرکان می‌داند.^۹ و در خبر دیاربکری (م. قرن دهم قمری)^{۱۰} درباره این که حمزه در هنگام شهادت ۵۹ سال سن داشت؛ خدشه وارد می‌کند.^{۱۱} علامه بر این

۱. همان، ج ۶، ص ۲۶۵-۲۶۴. «أخرج الترمذی و حسنه و عبد الله بن أحمد فی زوائد المسند و النسائی و ابن المنذر و ابن ابی حاتم و ابن حبان و ابن مردویه و الحاكم و صححه و البیهقی فی الدلائل عن اُبی بن کعب»: سیوطی، جلال‌الدین، الدرالمشور، ج ۴، ص ۱۳۵.
۲. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۷، ص ۲۸۸-۲۸۹؛ سیوطی، جلال‌الدین، الدرالمشور، ج ۲، ص ۹۴؛ طوسی، محمد بن حسن، التبیان، ج ۳، ص ۴۵-۴۷.
۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۴۰؛ دیاربکری، حسین، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۴۳۹؛ حلبی، ابوالفرج، سیره الحلبیه، ج ۲، ص ۵۰.
۴. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۵۳-۲۵۲؛ واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۱، ص ۲۸۹-۲۹۱.
۵. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۵۶.
۶. همان، ص ۲۵۳-۲۵۴.
۷. همان، ص ۲۵۷-۲۵۶؛ ابن هشام، سیره نبویه، ج ۳، ص ۱۰۲؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۲، ص ۵۲۹-۵۲۸.
۸. حلبی، ابوالفرج، سیره الحلبیه، ج ۲، ص ۳۰۸.
۹. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۰۲-۲۰۱.
۱۰. دیاربکری، حسین، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۴۴۲.
۱۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۵۳.

باور است که گزارش‌های موجود درباره نفرین و انتقام‌جویی رسول‌الله (صلی‌الله علیه و آله)^۱ باطل و نوعی غرض‌ورزی است.^۲

۶- خدمات حمزه به اسلام و رسول‌الله (صلی‌الله علیه و آله)

ارزیابی علامه درباره جایگاه حمزه در گسترش اسلام در دو دوره مکه و مدینه قابل‌بررسی است. از دیدگاه علامه، لقب «أسد الله و أسد رسوله»^۳ نشان‌دهنده بصیرت و توانمندی و فطانت حمزه است.^۴ اسلام حمزه جبروت قریش را فروریخت و سبب حفاظت از جان پیامبر (صلی‌الله علیه و آله)، اسلام و مسلمانان شد.^۵

هجرت فرصت بیشتری را برای رشد، خدمت و نقش‌آفرینی حمزه فراهم نمود. گرایش حمزه به اسلام یک تحول جدیدی در دعوت رسول‌الله (صلی‌الله علیه و آله) ایجاد کرد.^۶ با عنایت به دو حیطة نقش‌آفرینی و اثرگذاری می‌توان آن را در دو بعد داخلی در ارتباط با تقویت اسلام و گسترش دعوت پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) و در بعد خارجی (در ارتباط با قریش و مشرکان) موردتوجه قرار داد. محورهای موردتوجه علامه در این زمینه به شرح زیر عبارت‌اند از:

- گرایش حمزه به اسلام توان قریش را نابود کرد و بر ترس آن‌ها افزود.^۷

- با آشکار شدن مواضع حمزه، تعداد مسلمانان افزایش یافت.^۸

۱. ابن هشام، سیره نبویه، ج ۳، ص ۱۰۱؛ حلبی، ابوالفرج، سیره الحلبیه، ج ۲، ص ۲۴۸، دیاربکری، حسین، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۴۴۱، واقدی، محمدبن عمر، المغازی، ج ۱، ص ۲۸۹.

۲. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۵۸ به بعد.

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۵؛ ابن هشام، سیره نبویه، ج ۱، ص ۵۰۵ و ۲، ص ۹۶؛ ابن‌عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۴۲۳.

۴. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۳۳۷.

۵. همان، ج ۳، ص ۱۵۴-۱۵۲.

۶. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۹۸.

۷. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۱۵۲.

۸. همان، ج ۳، ص ۱۵۵.

- حمزه در برابر بزرگ‌ترین مشرکان و رئیس آن‌ها ابوجهل ایستاد و او را با سلاح کلام هلاک کرد.^۱

- حمزه در عرصه نظامی سبب پیروزی مسلمانان و شکست اهل کفر شد.^۲
- حمزه در خدمت اسلام بود. دشمنان را خوار نمود^۳ و برای اعتلای حق و امر دین تلاش کرد.^۴

- دو لقب «اسدالله و اسد رسوله»^۵ و «جزر قریش» نشان دادن ابهت و درایت حمزه در تحقق این اهداف است.^۶
۷- جایگاه حمزه نزد رسول الله و اهل بیت (علیهم السلام)

سیره رسول الله (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) بهترین دلیل برای شناخت حمزه و جایگاه او است. علامه برای بیان عظمت شخصیت حمزه از هیچ چیز فروگذار نمی‌کند و ظرفیت‌های موجود در اخبار تاریخی و سیره و احادیث و کتبخ جامعہ اسلامی و سنت‌های دینی را بسیج می‌کند تا به این حقیقت دست یابد. به نظر می‌رسد مطلوب علامه در این مبحث تأیید حمزه از جانب رسول الله (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) است.

حمزه، عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمن به آن حضرت بود و قرابت از جمله اختصاصات برجسته او به شمار می‌رود. رویکرد علامه به این مقوله بیان‌گر آن است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ظرفیت بنی‌هاشم برای پیشبرد اهداف اسلام استفاده کرد و خانواده آن حضرت بیشترین و اساسی‌ترین جایگاه را در اعتلای حقیقت و اظهار اسلام بر عهده داشتند و این با منطق قرآنی، سیره

۱. همان، ج ۳، ص ۱۸۳-۱۸۴.

۲. همان، ج ۶، ص ۱۵۲.

۳. همان، ج ۶، ص ۲۷۳.

۴. همان، ج ۶، ص ۲۷۱-۲۷۴.

۵. همان، ج ۵، ص ۴۴-۴۵.

۶. همان، ج ۵، ص ۷۹-۷۳.

پیامبر (صلی الله علیه وآله) و اخبار ائمه سازگار است^۱. به اعتبار دریافت لطیف علامه؛ اقدام پیامبر (صلی الله علیه وآله) در پیش فرستادن خانواده خود بیانگر آن است که: ۱- بنی هاشم در همراهی با پیامبر (صلی الله علیه وآله) پیش قدم بودند. ۲- آن حضرت در رسالت خود و طالب رسیدن به هدف است. ۳- پیامبر (صلی الله علیه وآله) از اتهام این که از دیگران به عنوان وسیله ای برای رسیدن به هدف خود استفاده می کند؛ مبرا است.^۲ علامه از واگذاری برخی مسئولیت های مهم مانند سریه حمزه و غزوه بدر استفاده می کند و قواعد اجتماعی نظام قبیله ای و دریافت های نخستین انصار از سیره رسول الله (صلی الله علیه وآله) را مورد بازکاوی قرار می دهد و در ضمن سیره عملی رسول الله (صلی الله علیه وآله) را توصیف می کند.^۳

دریافت علامه از حضور حمزه و شهادت او بیانگر این حقیقت است که پیامبر (صلی الله علیه وآله) خاندان خود را به میدان نبرد می فرستاد تا تقدم و برتری خود و اهل بیت (علیهم السلام) را نشان دهد.^۴ موقعیت امام علی (علیه السلام)، حمزه و جعفر، حکایت از این حقیقت دارد.^۵

محور توجه علامه در شهادت حمزه بر محور وحی، سیره رسول الله (صلی الله علیه وآله) و اخبار اهل بیت (علیهم السلام) است. ایشان با استناد به منابع عامه، حمزه را از مصادیق آیه ۲۳ سوره احزاب می دانند.^۶ از رسول الله (صلی الله علیه

۱. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، ص ۳۴؛ نهج البلاغه، نامه ۹.

۲. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۵، ص ۴۹-۵۰.

۳. همان، ج ۴، ص ۳۴۷-۳۴۸.

۴. همان، ج ۶، ص ۲۷۷؛ ۵، ص ۷۹.

۵. نهج البلاغه، نامه ۹.

۶. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۵، ص ۴۸؛ الهیتمی، الصواعق

المحرقة، ص ۸۰.

وآله) روایت می‌کند که فرمود: «أنا شهيد على هؤلاء»^۱ و حمزه را سیدالشهدا خطاب کردند.^۲ علی (علیه السلام) در شعری فرمود: «و... حمزة سيد الشهداء عمي»^۳ و هم او^۴ و امام سجاد (علیه السلام) (م. ۹۴. ق) فرمود: «و منّا سيد الشهداء حمزة».^۵

علامه، خبر حلبی (م. ۱۰۴۴. ق) درباره اینکه «سیدالشهدا» لقب مهجع، غلام عمر است؛^۶ را رد می‌کند^۷ و آن را خاص جناب حمزه می‌داند.^۸ او به دو خبر از امام سجاد (علیه السلام) و امام باقر (علیه السلام) (م. ۱۱۴. ق) استناد می‌کند که از عظمت حمزه سخن می‌گویند و مفهوم آن این است که اگر حمزه زنده بود؛ اهل بیت خوار نمی‌شدند.^۹

علامه در بیان شهادت حمزه و گریه رسول الله (صلی الله علیه وآله)؛ به توضیح ادله این مسئله می‌پردازد که برخی از محورهای آن عبارت‌اند از:

- گریه پیامبر (صلی الله علیه وآله) بیانگر مصیبتی است که با شهادت حمزه بر

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ج ۶، ص ۲۷۹. ابن هشام، سیره نبویه، ج ۲، ص ۹۸؛ واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۱، ص ۳۱۰.
۲. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ج ۵، ص ۶۵-۶۶؛ دیاربکری، حسین، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۱۶۴؛ عسقلانی، ابن حجر، الإصابه، ج ۲، ص ۱۰۶.
۳. نیشابوری، فتال، روضه الواعظین، ج ۱، ص ۲۱۲؛ ابن المغازلی، علی بن محمد، مناقب الإمام علی بن أبی طالب (علیه السلام)، ص ۳۱۹.
۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۷۵.
۵. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ج ۵، ص ۶۶-۶۷.
۶. حلبی، ابوالفرج، سیره الحلبیه، ج ۲، ص ۲۲۲.
۷. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ج ۵، ص ۶۵-۶۶.
۸. برخی از منابع ایشان بدین شرح است: ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۱۱۹؛ عسقلانی، ابن حجر، الإصابه، ج ۲، ص ۱۰۶.
۹. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ج ۲۱، ص ۲۶۵-۲۶۶.

اسلام وارد شد^۱. پیامبر (صلی الله علیه وآله) این رفتار را نسبت به جعفر بن ابی طالب داشت؛ آن زمان که جعفر از حبشه به مدینه آمده بود^۲.

- گریه پیامبر (صلی الله علیه وآله) برای حمزه نشانه عواطف انسانی آن حضرت^۳ و نشان صمیمیت بین آن حضرت و حمزه است.

- مشارکت رسول الله (صلی الله علیه وآله) برای همدردی با مصیبت زدگان بود.

- گریه پیامبر (صلی الله علیه وآله) یا امر آن حضرت برای گریه در جهت روشن کردن فضایل و رفعت جایگاه حمزه است^۴.

- صبر صغیه بر مصیبت برادر^۵ و همراهی انصار با پیامبر (صلی الله علیه وآله) در گریه بر حمزه؛ نشانه وفا و اخلاص و تبعیت از آن حضرت است^۶.

علامه در پاسداشت مشهد حمزه و زیارت قبر او از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل می کند که فرمود: «هذا جبل یحبنا و نحبه^۷، اللهم إني أحرم ما بین لابتی المدینة^۸» و مفهوم آن این است که کوه احد پیامبر (صلی الله علیه وآله) را دوست می داشت و پیامبر (صلی الله علیه وآله) هم کوه احد را دوست می داشت^۹.

علامه درباره اهمیت زیارت قبر حمزه می نویسد. پیامبر (صلی الله علیه وآله)

۱. همان، ج ۱۹، ص ۳۱۸.

۲. صدوق، محمد، الخصال، ج ۲، ص ۴۸۴؛ صدوق، محمد، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۵۴.

۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج ۳۳، ص ۲۷۰.

۴. همان ج ۷، ص ۲۸۵.

۵. همان، ج ۶، ص ۲۷۴-۲۷۵.

۶. همان، ص ۲۷۱-۲۷۴.

۷. ذهبی، شمس الدین، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، ج ۲، ص ۴۲۳.

۸. حلبی، ابوالفرج، سیره الحلییه، ج ۲، ص ۲۹۵.

۹. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج ۱۹، ص ۳۸.

قبور شهدای احد را زیارت می‌کردند و به دیگران سفارش می‌کردند.^۱ حضرت فاطمه (س) روزهای دوشنبه و سه‌شنبه به زیارت قبور می‌رفتند^۲ و با خاک آن تسبیح می‌انداختند.^۳ علامه با استفاده از این اخبار و مسانید آن، جواز زیارت قبور را مطرح می‌کند^۴ و معتقد است آنچه فرقه‌های دیگر درباره زیارت اشکال می‌کنند؛ معقول و مقبول نیست.^۵ بدین ترتیب علامه از مجموعه معارف و حیانی، سنت، عقل و اجماع و رویکرد اجتهادی بهره می‌گیرد تا ساحت سیره رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را از لوث وجود افکار باطل پاک نگه دارد.

نتیجه‌گیری

علامه در کتاب الصحیح در راستای بازشناسی سیره رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و پیراستن آن از اخبار ضعیف، به پردازش شخصیت حمزه می‌پردازد و مباحث آن را از منابع مختلف استخراج، استنباط و قالب‌بندی می‌کند. ایشان در بحث پیرامون جناب حمزه ۲۳۲ منبع را بررسی کرده که ۱۴۳ مورد به نقل‌خبر و ۸۹ منبع ناظر بر تأیید یا نقد و نظر آن است. از این تعداد ۳۲ منبع شیعی و بقیه از متون عامه و سایر مراجع اسلامی به شمار می‌رود. شیوه بحث و تنوع مسائلی که در این کتاب آمده؛ بیانگر آن است که علامه درصدد ارائه الگوی جامع در سه سطح دانشی، رفتاری و بینشی بوده است. رویکرد اصلی علامه ارزیابی و تنقیح اخباری است که اساس آن بر پایه جعل

۱. سمهودی، نورالدین علی، وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۶۸-۶۹ و ۳، ص ۱۱۲؛ واقدی، محمدبن عمر،

المغازی، ج ۱، ص ۳۱۳-۳۱۴.

۲. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۱۴، ص ۲۱۷؛ سمهودی، نورالدین

علی، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۱۹، ص ۳۹.

۴. همان، ج ۲، ص ۹۱.

۵. همان، ج ۶، ص ۲۸۱.

و اکاذیب است و سبب کج فهمی نسبت به سیره رسول الله (صلی الله علیه و آله) و تحریف تاریخ صدر اسلام و دست مایه ای برای توجیه رفتارهای نامناسب برخی شده است.

بر اساس این کتاب به دست می آید که بخش وسیعی از اخبار موجود با روایت های نه چندان قابل اعتماد و مغرضانه درهم آمیخته است و نقش دشمنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) را در جعل خبر و تحریف حقایق و در جهت نفی فضایل ایشان و منحرف ساختن اذهان، نمی توان انکار کرد و نادیده گرفت.

علامه نسبت به اصول و معیارهای نقد تاریخی و فرا تاریخی آگاهی دارد و درصدد است تا ابعاد مختلف یک مسئله را روشن نماید. رویکرد علامه در این زمینه درون دینی است و از شیوه ترکیبی (کلامی، فقهی و حدیثی) برای تبیین مسئله و پاسخ به شبهات پیرامون استفاده می کند.

مهارت آموزی شیوه تتبع و خردورزی، نقد و ارزیابی، مباحثه و گفتگو و به کارگیری آن در جامعه امروز از نقطه نظر یک شیعه متعهد و اهل دانش و انصاف از جمله درس های مهمی است که از کتاب ارزشمند الصحيح به دست آمد.

منابع

قرآن.

نهج البلاغه، جمع آوری سيد رضی، هجرت، قم، ۱۴۱۴.

ابن هشام سيره نبويه، دارالمعرفه، بيروت، [بی تا].

ابن ابی الحديد، شرح نهج البلاغه، مكتبه آيت الله مرعشي نجفی، قم، ۱۴۰۴.

ابن ابی شيبه، المصنف، مكتبه الرشد، الرياض، ۱۴۰۹.

ابن اثير جزري، على، الكامل فى التاريخ، دارالصادر، بيروت، ۱۳۸۵ ش.

ابن اثير جزري، على، اسد الغابه، دارالكتاب العربی، بيروت، ۱۴۰۶.

ابن المغازلی، على بن محمد، مناقب الإمام على بن أبی طالب (عليه السلام)،

سوم، دارالأضواء، بيروت، ۱۴۲۴.

ابن تيميه، منهاج السنه النبويه، جامعه محمد بن سعود الإسلاميه، الرياض، ۱۴۰۶.

ابن حبان، محمد، الثقات، دائرة المعارف العثمانية، حيدرآباد، ۱۳۹۳.

ابن حجر العسقلاني، لسان الميزان، الثانيه، مؤسسۀ الأعلمی، بيروت، ۱۳۹۰.

ابن سعد، الطبقات الكبرى، دارالكتب العلميه، بيروت، ۱۴۱۸.

ابن عساکر، تاريخ مدينه دمشق، دارالفکر، بيروت، ۱۴۱۵.

اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبين، دارالمعروفه، بيروت، [بی تا].

امينی، الغدير، الغدير، مركز الغدير، قم، ۱۴۱۶.

بخاری، محمد بن اسماعيل، صحيح البخاری، تحقيق: محمد زهير بن ناصر، دار

طوق النجاة، ۱۴۲۲.

بلاذري، احمد، انساب الاشراف، تحقيق محمد حميد الله، دار الفکر، بيروت،

۱۴۱۷.

- بیهقی، ابوبکر، دلائل النبوة، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۵.
- الجزری، شمس‌الدین محمد، أسنى المطالب فى مناقب الإمام على (علیه‌السلام)، نقش جهان، تهران، [بى تا].
- حسکانی، عبیدالله، شواهد تنزیل، وزارت ارشاد اسلامى، تهران، ۱۴۱۱.
- حلبی، ابوالفرج، سیره الحلبیه، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۷.
- دمشقی، ابن کثیر، البدایه و النهایه، دارالفکر، بیروت، [بى تا].
- دیاربکری، حسین، تاریخ الخمیس، دارالصادر، بیروت، [بى تا].
- ذهبی، شمس‌الدین، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، چاپ دوم، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۹.
- سمهودی، نورالدین علی، وفاء الوفاء، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۲۰۰۶.
- سیوطی، جلال‌الدین، الدرالمنثور، کتابخانه آیه الله مرعشى نجف، قم، ۱۴۰۴.
- صدوق، محمد، الخصال، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳.
- صدوق، محمد، عیون اخبارالرضا، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸.
- طبرسی، فضل‌بن حسن، اعلام الوری، مؤسسه آل‌البتیت، قم، ۱۴۱۷.
- طبری، عمادالدین علی، کامل بهائی، مرتضوی، تهران، ۱۳۸۳.
- طبری، محمدبن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، دار التراث، بیروت، ۱۳۸۷.
- طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الأحکام، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.
- ش.
- طوسی، محمدبن حسن، الاستبصار، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ش.
- طوسی، محمدبن حسن، التبیان، التبیان، داراحیاء التراث العربی، بیروت، [بى تا].
- عاملی، جعفر مرتضی، دراسات، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۹.

عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، قم، دارالحديث، ۱۴۲۶.

عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۰۹.
عاملی، عبدالحسین شرف‌الدین، النص و الاجتهاد، الرابعه، مؤسسه الأعلمی، بیروت، ۱۹۶۶.

عسقلانی، ابن حجر، الإصابه، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵.
مجلسی، محمد، بحار الأنوار، چاپ دوم، اسلامیه، تهران، ۱۳۶۳.
مقدسی، مطهرین طاهر، البدء و التاريخ، مکتبه الثقافه الدینیه بور سعید، بی جا، [بی تا].

نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱.

نیشابوری، فتال، روضه الواعظین، دلیل ما، قم، ۱۴۲۳.
واقدی، محمدبن عمر، المغازی، سوم، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۹.
الهیتمی، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله، لبنان، ۱۴۱۷.
الهیتمی، نورالدین علی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸.

پیوست

با عنایت به آنچه در متن آمد و جهت سهولت بهره‌برداری؛ رویکرد و نوع اخبار مورد توجه علامه درباره حمزه بن عبدالمطلب (علیه‌السلام) بر چهارپایه: تقسیم موضوعی، طبقه‌بندی اسنادی، تبیین علل و تحلیل ادله؛ تفکیک و در جدول شماره (۱) ارائه گردید.
جدول ۱:

ردیف	خبر	علل و زمینه‌های خبر	نوع خبر	منبع خبر	نظر علامه	استدلال علامه
۱	عبدالله کوچک‌ترین فرزند عبدالمطلب / قرعه زدن عبدالمطلب بر اساف و نائله و هبل ^۱		روایی- سیره	ابن هشام ^۲ حلبی و... ^۳	خبر ابن هشام درست نیست	۱- عبدالله و حمزه و عباس از یک مادر بودند و فاصله سنی آنها کم بوده است ۲- عبدالله کوچک‌ترین فرزند نبوده است ۴- عبدالمطلب حنیف بود ^۴
۲	شیر دادن حمزه توسط ثویبه و نسبت رضاعی وی با دیگران ^۵	۱- مناشده غیر موفق ۲- قریش ۳- زنان ۴- دیگران	روایی- سیره	فریقین ^۶	۱- این خبر صحیح نیست. ۲- در این‌که حمزه و ابوسلمه و محمد (صلی‌الله علیه وآله) برادر رضاعی باشند	۱- تناقض خبر درباره مدت شیردهی ۲- تناقض درباره کنیز یا آزاد بودن ثویبه ۳- اختلاف اخبار درباره فاصله حضرت محمد

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۲، ص ۴۳-۴۴.

۲. ابن هشام، سیره نبویه، ج ۱، ص ۱۴۶.

۳. حلبی، ابوالفرج، سیره الحلییه، ج ۱، ص ۵۸.

۴. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۲، ص ۴۳-۴۴.

۵. همان، ج ۲، ص ۴۲-۴۵.

۶. عسقلانی، ابن حجر، الإصابه، ج ۴، ص ۲۵۸؛ سمهودی، نورالدین علی، وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۱۰۶.

								(صلی الله علیه و آله) و حمزه ۳-نیاز به تحقیق بیشتر است ^۱ ۴- نادرستی خبر محب الدین طبری ۵- سن حمزه در هنگام نذر عبدالمطلب ۶- اختلاف اخبار درباره سن حمزه در هنگام وفات عبدالمطلب ^۲
۳	خواستگاری حمزه از خدیجه ^۳	۱-کار بنی امیه و دشمنان دین و اهل کتاب است که نسبت به شأن رسول اهانت کردند. از جهت اینکه او را یتیم و فاقد استقلال و درک و شعور دانستند ۲-احتمال دیگر زنان	روایی- سیره	مختلف	۱-مردود است ۲-ما تردید نداریم که همه این سخنان دروغ است ۳-این ها از متحیلات و ممتنعات است ۴-از مجعولات است ^۴	۱-منزلت و سیادت ابوطالب در میان قریش ۲-فاصله حمزه تا محمد ۲ تا ۴ سال بوده است		

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۲، ص ۸۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۸۲.

۳. ابن هشام، سیره نبویه، ج ۱، ص ۱۹۰-۱۸۹؛ بیهقی، ابوبکر، دلائل النبوة، ج ۱، ص ۲۰.

۴. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۲، ص ۱۱۸-۱۱۹.

				قریش است که صحیح‌تر است ۳-هدف سلب فضایل ابوطالب بوده است ۴- هدف پایین آوردن شأن رسول از قبل از اسلام و از حرب‌های شیطان است.		
۴	خطبه خواندن حمزه برای خدیجه و پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) ^۱	این شبهه هدف‌دار است از دو جهت: ۱-صدمه به جایگاه ابوطالب ۲- برابر کردن او با دیگران حتی حمزه	روایی - سیره	سیره ^۲	۱-مردود است ۲- ابوطالب خطبه عقد را خواند ۳-ممکن است حمزه هم در این جلسه حضور داشته است ۴-شاید ابوطالب	۱-حمزه کوچک‌تر از ابوطالب بود ۲-ابوطالب نزد قریش اهمیت داشت ۳-سن حمزه و حضرت محمد (صلی‌الله علیه وآله) نزدیک به هم بود ۴- این نظر مخالف نظر

۱. همان، ج ۲، ص ۱۰۹.

۲. حلبی، ابوالفرج، سیره التحلیبه، ج ۱، ص ۲۰۰.

۵	وصایت رسول الله (صلی الله علیه وآله) در یوم الانذار نسبت به حمزه ^۲	هدف این خبر انکار فضایل امام علی (علیه السلام) است	روایی- سیره- کلامی	سیره/ تفسیر/ روایات عامه/ ابن تیمیه ^۴	۱- ایراد ابن تیمیه به هیچ وجه درست نیست. ۲- اسلام حمزه قبل از اعلان دعوت و قبل از یوم الانذار بود ^۵	اکثر مورخان است ^۱
		ابن تیمیه بارها فضایل امام علی (علیه السلام) را انکار کرده است ^۳			۱- طبری دو روایت مختلف از ابن قتیبه ارائه کرده است. ^۶ ۲- محمد حسنین هیکل در چاپ دوم خبر را تغییر داده است. ^۷ ۳- نظر ابن تیمیه به دلایل زیر مردود است: ۱- سند او ابومریم کوفی است که رجالیون آن را رد کرده اند ^۸ ۲- بر اساس خبر تعداد	

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۲، ص ۱۰۹؛ ابن هشام، سیره نبویه، ج ۱، ص ۲۰۱.
۲. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۶۰-۶۸.
۳. ابن تیمیه، منهاج السنه النبویه، ج ۱، ص ۳۰۷-۳۰۸.
۴. همان، ص ۳۰۷-۳۰۸.
۵. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۱۰۰.
۶. همان، ج ۳، ص ۶۱؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۲، ص ۳۲۰.
۷. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۶۲-۶۳.
۸. امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج ۲، ص ۳۹۶.

<p>بنوعبدالمطلب زیاد نبوده است ۳- آنچه به فرزندان عبدالمطلب نسبت داده شده نادرست است. ۴- صرف حضور و همراهی به معنای اجابت وصایت پیامبر (صلی الله علیه وآله) نیست ۵- ابن تیمیه و دیگران زمان را در نظر نگرفتند^۱</p>						
<p>۱- این اخبار مخدوش است ۲- وقتی عمر آمد؛ حمزه و علی (علیه السلام) نزد پیامبر (صلی الله</p>	<p>۱- اسلام عمر بعد از حمزه بود ۲- حمزه باعث عزت اسلام شد و</p>	<p>سیره/حدیث/ تفسیر^۳</p>	<p>روایی- کلامی</p>	<p>۱- اخبار اهل کتاب و کسانی که هوادار خلفا هستند ۲- سیاست</p>	<p>تقدم و برتری عمر بن خطاب بر حمزه در تشریف به اسلام</p>	<p>۶</p>

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۷۰-۶۹.

۳. ابن هشام، سیره نبویه، ج ۱، ص ۳۴۶ و ۴۱۷.

۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۱۸۹.

				بنی امیه برای رد فضایل بنی هاشم ۳- اقدام معاویه برای تقویت جایگاه خلفای سه گانه ۴- نسبت دادن برخی فضایل به عمر ۵- ایجاد خدشه در اسلام حمزه ^۱		
پیامبر (صلی الله علیه وآله) نسبت به او بسیار شادمان بود ^۲	علیه وآله بودند ^۴ ۳- ابوطالب و حمزه و سایر بنی هاشم اهل عزت و شرف هستند. ^۵ ۴- عمر: «لا عزیزا و لا یعز الاسلام» ^۶					
۱- اثبات عقلانی فطری و سنت بودن قضیه تقیه ۲- جواز تقیه حمزه به دلیل عدم	۱- حمزه در بیعت عقبه تقیه کرد ^۱ ۲- درباره حضور عباس	فریقین ^۷	روایی - سیره		همراهی حمزه و عباس در ملاقات مردم با پیامبر (صلی الله علیه وآله) و	۷

۱. همان، ص ۱۹۰-۱۹۱.

۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۱۹۰-۱۹۱.

۴. همان، ج ۳، ص ۱۸۹.

۵. همان، ص ۱۸۰.

۶. همان، ص ۱۸۲.

۷. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۴۳-۱۴۲؛ حلبی، ابوالفرج، سیره الحلویه، ج ۲، ص

۱۶.

۸. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۳۲۱-۳۲۲.

<p>در بیعت عقبه تشکیک کرده است. ۳- علامه درصدد نفی نقش عباس و ابوبکر و اثبات نقش حمزه و علی (علیه السلام) در عقبه است. عزت او. در این زمینه علامه شواهد و دلایلی را می آورد.^۱ ۴- شواهد بسیاری هست که نشان می دهد عباس</p>	<p>تجهیز مسلمانان به دفاع و عدم امکان دفاع از خود در مقابل ظلم و طغیان دیگران بود^۱ ۳- سخنان عباس بیشتر در جهت خواری رسول الله (صلی الله علیه وآله) است و نه عزت او. در این زمینه علامه شواهد و دلایلی را می آورد.^۲ ۴- شواهد بسیاری هست که نشان می دهد عباس</p>					عقبه
--	--	--	--	--	--	------

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ۳، ص ۳۲۴.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۲۰.

هجرت نکرد و اسلام او و عقیل در غزوه بدر بود. ^۱						
۱-شواهد متعدد مواخات و اخبار منابع ^۵ ۲-قواعد و نظامات مرتبط با اخوت بست ^۴ ۳-اهمیت مواخات ^۶	پیامبر (صلی الله علیه وآله) بین حمزه و زید بن حارثه عقد اخوت بست ^۴	ابن تیمیه ^۳	روایی - سیره		رد دیدگاه ابن تیمیه در انکار مواخات ^۲	۸
۱-جعفر هنگام شهادت حمزه حضور نداشت. او	۱-علامه درباره اصالت و اعتبار	سیره ^۹	روایی - سیره - فقهی		نزاع زید و علی (علیه السلام) ^۷ جعفر بر سر	۹

۱. همان، ۲۱، ص ۲۶۵-۲۶۶.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۴۵.

۳. ابن تیمیه، منهاج السنه النبویه، ج ۲، ص ۱۱۹.

۴. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۱۴، ص ۶۰.

۵. حلبی، ابوالفرج، سیره الحلبیه، ج ۲، ص ۲۷-۲۸.

۶. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۳، ص ۳۴۵ و ۴، ص ۲۲۹.

۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحيح البخاری، ج ۲، ص ۱۱۳؛ واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۳،

ص ۵۷، نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۰.

۹. حلبی، ابوالفرج، سیره الحلبیه، ج ۲، ص ۴۷.

در این زمان در حبشه بود و نه در مدینه یا مکه.	داستان تشکیک کرده است. ^۳				کفالت دختر حمزه ^۱
۲- دختر حمزه چند سال بدون کفیل بود.	۲- اخبار ناصحیح و مردود است. ^۴				
۳- اگر نزد علی (علیه السلام) بود چرا زید با آن حضرت نزاع کرد؟ اگر برعکس بود چرا علی (علیه السلام) منازعه کرد؟ ^۷	۳- جریان دختر حمزه نیاز به تحقیق و بررسی جدی دارد که در آینده فرصت این کار به دست خواهد آمد ^۵				
۴- اگر خیراختلاف و دعوی زید و جعفر درباره دختر حمزه درست است؛ چرا پیامبر (صلی الله علیه وآله) آن را حل نکرد	۴- احتمالاً این خیر صحیح است که دختر حمزه بین فواطم بود و با آنها به مدینه آمد				
۵- خیراینکه عماره	۵- احتمالاً				

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۱۹، ص ۲۲۲-۲۲۷.

۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۷۵.

۴. همان، ج ۱۹، ص ۲۲۲-۲۲۷.

۵. همان، ج ۴، ص ۲۳۶.

۷. همان، ج ۴، ص ۲۳۶.

پیامبر (صلی الله علیه وآله) را عمو خطاب کرده، محل سؤال است	همراه با فاطمه دختر حمزه (عماره) مادرش، سلمی هم به مدینه مهاجرت کردند و با امام علی (علیه السلام) بودند.					
۶- پیامبر (صلی الله علیه وآله) از ازدواج با دختر حمزه اکراه داشت	۶- حقیقت آن است که علی (علیه السلام) فواطم را به مدینه آورد					
۷- چرا اسماء بنت عمیس، خاله دختر حمزه یا صفیه عمه او مسئولیت وی را قبول نکردند	۷- اخبار مربوط به زید و ازدواج علی علیه السلام با دختر حمزه نادرست است. ^۱					
۸- سلمی بنت عمیس، همسر حمزه خواهر مادری میمونه بنت حارث، همسر پیامبر (صلی الله علیه وآله) بود؛ چرا پیامبر (صلی الله علیه وآله) او را تقبل نکرد؟	۹- چرا سلمی و دخترش در مکه ماندند و از مهاجران نبودند و					

۱. همان، ج ۱۹، ص ۲۲۲-۲۲۷.

با حمزه نیامدند و این طول کشید تا دختر حمزه بزرگ شد ^۱						
۱-خبر از عمر است ۲-پیامبر (صلی الله علیه وآله) اسیر را نمی‌کشد ^۲	عمر خواسته بگوید چرا علی (علیه السلام) گردن عقیل و حمزه گردن عباس را نزد و آنها را ائمه الکفر خطاب کرده است ^۳	روایی / سیره و تاریخ ^۳	منابع عامه		مشارکت حمزه در کشتن اسرای بدر ^۲	۱۰
۱-مجمع نخستین فردی بود که برای قتال بلند شد	۱-خبر قابل قبول نیست.	روایی - سیره ^۷	سیره و حدیث	۱-این‌ها بازی با کلمات است	رد نسبت دادن «سیدالشهدا» به مهجع غلام	۱۱

۱. همان، ج ۱۹، ص ۲۲۲-۲۲۶.

۲. همان، ج ۵، ص ۱۰۹.

۳. واقدی، محمدبن عمر، المغازی، ج ۱، ص ۱۴۰ و ۱۶-۱۷؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۳۶؛ سیوطی، جلال‌الدین، الدرالمثور، ج ۳، ص ۲۰۱-۲۰۳؛ طبری، محمدبن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۲، ص ۴۷۵-۴۷۴.

۴. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۵، ص ۱۱۸.

۵. همان، ص ۱۱۹.

۷ در سایر منابع اشاره‌ای به این لقب درباره غلام عمر نشده است: ابن هشام، سیره نبویه، ج ۱، ص ۶۲۷؛ عسقلانی، ابن حجر، الإصابه، ج ۶، ص ۱۸۲-۱۸۳؛ دمشقی، ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۲۷۴.

عمر	۲- اینها دنبال اخباری می‌گردند که با مطلوب و مقصود آنها یکی باشد و آنها را به هدف خودشان نزدیک کند	۲- حمزه سیدالشهدا است و نه دیگران	۲- چرا اولین شهید یاسر و سمیه یا عبیده که در بدر شهید شد؛ نباشند
رد برتری	۳- مراد حلبی چیز دیگری است ^۱	۳- افرادی که پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) فرستاد علی (علیه‌السلام)، حمزه و عبیده بودند نه مجمع	۳- پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) فرمود سیدالشهدا حمزه است ^۳
عامه	عامه	روایی-سیره ^۶	۴- پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) فرمود سیدالشهدا حمزه است ^۴
۱۲	۱- چرا قریش کمر	۱- خیر	۵- در روایات دیگر هم آمده حمزه سیدالشهدا است ^۵

۱. همان، ص ۶۶-۶۷.

۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۵، ص ۶۵-۶۶؛ دیاربکری، حسین،

تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۱۶۴؛ عسقلانی، ابن حجر، الإصابه، ج ۲، ص ۱۰۶.

۴. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۵، ص ۶۵-۶۶.

۶. واقدی، محمدبن عمر، المغازی، ج ۱، ص ۵۸؛ دمشقی، ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۲۷۵.

ابوبکر بر حمزه در غزوات ^۱				اسکافی واحد است. ۲-سند آن به سراقه می‌رسد ^۳ ۳- ابن ابی الحدید رد کرده است. ^۴ ۴-آیه ۲۳ سوره احزاب درباره ابوبکر نیست ^۵	به قتل علی (علیه‌السلام) چون بستند؟ ^۶ به واسطه آن شوکت رسول شکسته می‌شد. ۲-چرا جَبْرِین مطعم (۵۷ یا ۵۹). ق) وعده آزادی به وحشی داد؟ تا محمد (صلی‌الله علیه وآله) یا علی (علیه‌السلام) یا حمزه را بکشد ^۷ ۳-در این میان حرفی از ابوبکر زده نشده است ۴-آیه ۲۳ احزاب
---	--	--	--	---	---

۱. همان، ص ۱۷۰-۱۷۱.
۲. الیهیمی، الصواعق المحرقة، ج ۹، ص ۴۶۱.
۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۸۷.
۴. امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج ۲، ص ۴۶-۵۱.
۵. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج ۶، ص ۷۹.
۶. همان، ۵، ص ۱۶۸-۱۶۹.

درباره فضیلت علی (علیه السلام) و عبیده و حمزه است ^۱						
۱- ازدواج حضرت فاطمه قبل از احد بوده است ۲- علی (علیه السلام) جز زره چیزی نداشت که ان را هم فروخت و خرج عروسی را داد و امکان تهیه مخارج دیگر نبود. ۳- حمزه در غزوه احد و قبل از آن روزه بود ^۲ ۴- شراب خوری در جنگ در میان	۱- بر ما ثابت شده است که این ها کذب است. ^۳ ۲- این روایات صحیح نیست. ۳- هر کس حمزه و سجایای او را بشناسد چنین نمی گوید.	روایی-سیره ^۴	فریقین	۱-دلیل این امر کینه آن ها از اسلام و حامیان آن است ۲-هدف واردکردن خدشه به کرامت بنی هاشم است. ۳-منش بنی امیه و زیریون و عمال وابستگان	رد خبر شراب خواری حمزه بعد از غزوه بدر و قبل از احد ^۵	۱۳

۱. همان ج، ۵، ص ۱۷۰-۱۷۱.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۹۱-۲۹۲.

۳. حلبی، ابوالفرج، سیره الحلبیه، ج ۲، ص ۳۵۴؛ سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۵۱-۲۵۲.

۴. همان، ج ۶، ص ۲۵۵.

۵. همان، ج ۵، ص ۲۹۰؛ واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۱، ص ۲۱۱.

اعراب معمول نبوده است ۵- عبدالمطلب و ابوطالب شراب را قبل از اسلام حرام کردند و غیر از این‌ها کسان دیگر از مسلمانان هم بودند؛ اگرچه درباره برخی سؤال است. ۶- این اخبار که برخی نقل کردند با یکدیگر سازگاری ندارد. ^۶				آن‌ها دروغ و حيله‌گری و تهمت زدن است ^۱		
۱- برخی از این اخبار مربوط به بعد از فتح مکه است و ربطی	۱- علامه ۶ دلیل می‌آورد که ۴ دلیل آن به موقعیت حمزه در این زمان مربوط می‌شود.	روایی/کلامی ^۹	این اخبار بعضاً دنبال اهداف سیاسی هستند یا آنچه در	رد خیر تقدم حمزه در قضیه سدوا الابواب ^۷	۱۴	

۱. همان، ۵، ج ۵ ص ۲۹۲-۲۹۱.
۵. الجزری، شمس‌الدین محمد، أسنى المطالب فى مناقب الإمام على (ع)، ص ۵۸؛ حلبی، ابوالفرج، سیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۱۳.
۶. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبى الأعظم، ج ۵، ص ۲۹۰-۲۹۳.
۷. همان، ج ۵، ص ۳۴۴.
۹. سمهودی، نورالدین علی، وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۶۵.

۱۵	حمل مشترک	پشت این	سیره	بدون سند	پرچم‌دار	شواهد متعدد را
		اذهان آن‌ها هست را دنبال می‌کند ^۱			به حمزه ندارد ^۳	۲- این جریان قبل از شهادت حمزه و وفات رقیه اتفاق افتاد. ^۴ ۳- حمزه این‌گونه با پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) صحبت نمی‌کرد، درحالی‌که می‌دانست این از طرف خدای تعالی است. ^۵ ۴- در مناشده امام علی (علیه‌السلام) با دیگران درباره سدوا الابواب به این قضیه نمی‌پردازد ^۶

۱. همان، ج ۵، ص ۳۴۶.

۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۵، ص ۳۴۴

۴. همان، ج ۵، ص ۳۴۲.

۵. همان، ج ۵، ص ۳۴۴.

۶. همان، ج ۵، ص ۳۴۰-۳۴۶.

	لواء توسط حمزه و علی (علیه السلام) در غزوه بنی قینقاع ^۱	روایات اغراضی وجود دارد ^۲			پیامبر (صلی الله علیه وآله) در تمام غزوات، امام علی (علیه السلام) بود	آورده مانند نزول سوره مائده در حجه الوداع ^۳
۱۶	رد فضیلت تراشی برخی برای صحابه در غزوات در مقایسه با جایگاه حمزه و علی (علیه السلام)	این اخبار از سوی افرادی است که با اهل بیت (علیهم السلام) نسبتی ندارند و با دشمنان آنها مراد شده دارند و نسبت به نقش اهل بیت (علیهم السلام) کوتاهی می کنند ^۴	سیره و تاریخ	روایی - کلامی ^۵	۱- حمزه ملقب به «ابن ساقی الحجیج» است. ^۶ ۲- علی (علیه السلام) و حمزه پرچم داران مشرکان را در احد شکست دادند. ^۷ ۳- در بیان فضایل صحابه	۱- اساس اسلام است ۲- اهل بیت (علیهم السلام) در محورند و از آن میان علی (علیه السلام) و حمزه و دیگران ۳- سؤال این است که چرا آنها دنبال تحریف اند و چرا اهل بیت و چرا دوران پیامبر (صلی الله علیه

۱. همان، ج ۶، ص ۵۹.
۲. همان، ج ۶، ص ۶۱.
۳. سیوطی، جلال الدین، الدرالمشور، ج ۲، ص ۲۵۲.
۴. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۱۴۹.
۵. حلبی، ابوالفرج، سیره التحلیبه، ج ۲، ص ۲۳۱.
۶. همان، ج ۲، ص ۳۰۴؛ بلاذری، احمد، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۴.
۷. همان؛ ص ۱۵۲؛ ابن اثیر جزری، علی، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۲۶.

وآله؟ چون فقط می‌توانند در این قسمت تحریف ایجاد کنند ^۱	تحریف ایجاد شده است					
--	------------------------	--	--	--	--	--

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۱۸، ص ۳۰۰-۳۰۱.

۱۷	اهانت ابوسفیان به پیکر ^۱ و قبر حمزه ^۲	۱-اهانت ابوسفیان بر پایه جاهلیت، عصبیت قبیله‌ای و منافع فردی است و در هیچ منطقی قابل فهم نیست. ^۳ ۲-اهانت ابوسفیان و سیاست معاویه به خاطر آن است که حمزه باعث خواری مشرکان و بالا بردن سخن حق و دین بوده است و آن‌ها این را فراپوش	سیره و تاریخ	روایی ^۶	۱-اینکه قریش به شهادت مسلمان تمثیل می‌زدند، بدترین تمثیل‌ها است. ^۷ ۲- همه این‌ها حقیقت آنچه درباره ایمان ابوسفیان و معاویه و هند گفته می‌شود؛ نشان می‌دهد. ^۸	۱-این کار از ابوسفیان عجیب نیست. ۲- رفتار ابوسفیان نشان‌دهنده انکار شهادت و در واقع انکار کشته شدن آن‌ها توسط مشرکان است ۳- رفتار ابوسفیان نماد سایر مشرکان و ملاً قریش است. ^۹
	۱. همان، ج ۶، ص ۲۷۴. نکردند. ۲. همان، ج ۲۵، ص ۵۱. ۳-کفر و نفاق ۳. همان، ج ۶، ص ۲۴۱. این‌ها مشهور ۴. همان، ص ۲۷۳. است ^۹ ۵. همان، ص ۲۷۴. ۴-اقدام ۶. همان، ص ۲۷۳؛ ابن هشام، سیره نبویه، ج ۲، ص ۹۳. ۷. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۴۰. ۸. همان، ص ۲۵۵.	تداوم دشمنی و جنگ او با پیامبر (صلی الله علیه وآله) برای مقاصد دنیوی و به دست آوردن ملک و سلطنت بوده است. ^{۱۰}				

۱۸	رد خبر اسلام آوردن هند و بهشتی شدن او ^۲ کلام پیامبر (صلی الله علیه وآله) بی معنی و مدلول باشد	هوای نفس باعث شد تا کلام پیامبر (صلی الله علیه وآله) بی معنی و مدلول باشد	فریقین	روایی- کلامی	۱- آنچه درباره هند و اسلام وی است نیاز به بررسی دارد. ^۳ ۲- تفسیر حلبی غریب و عجیب است ^۴	ظاهر سخن حلبی این است که خداوند ابا می کند چیزی از حمزه را وارد جهنم کند. طبق این امر هند اسلام آورد و وارد بهشت می شود ^۵
۱۹	رد خبر اسلام وحشی		روایی- سیره- کلامی	روایی- کلامی ^۶	۱- خیر مخلدوش بودن خبر این است که: ۱- اشکال اول: در این که شرب خمر وحشی اختیار نبود. ۳- اعمال شنیع و قبیح بود ۲- اشکال دوم: در این که پیامبر (صلی الله علیه	

۱. همان، ص ۲۴۴-۲۴۳.
۲. همان، ص ۲۶۶.
۳. همان، ص ۲۵۲.
۴. حلبی، ابوالفرج، سیره التحلیبه، ج ۲، ص ۳۳۱.
۵. عاملی، ۱۴۲۶، ج ۶، ص ۲۶۶.
۶. حلبی، ابوالفرج، سیره التحلیبه، ج ۲، ص ۳۳۸؛ دیاربکری، حسین، تاریخ الخميس، ج ۱، ص ۴۲۶.

نشد ولی و آله) کسی که «استسلم» را این همان حال طلقاً مکه است ^۱ . مطابق این امر وحشی هرگز اسلام نیاورد ^۲ و آله) حکایت می‌کند ^۳						
دلائل بحث متعدد است ^۴	۱-خبر مشکوک است. ۲-انتساب یک عمل شنیع به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و تهمت به آن حضرت است.	روایی سیره- کلامی ^۶	فریقین	۱-مشرکان، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را مانند یکی خودشان تصور کردند. ۲-آنها در این قضایا از موضع انفعال،	رد خبر مثله کردن وحشی به دستور رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و انتقام شهادت حمزه توسط مسلمانان ^۵	۲۰

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ج ۶، ص ۱۶۰-۱۶۶.

۲. همان، ج ص ۱۶۵.

۳. همان، ج ص ۱۶۳-۱۶۲؛ ابن ابی شیبه، المصنف، ج ۹، ص ۴۶۹.

۴. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ج ۶، ص ۱۶۵.

۵. همان، ص ۲۵۶.

۶. واقدی، محمدبن عمر، المغازی، ج ۱، ص ۲۸۹؛ بیهقی، ابوبکر، دلائل النبوة، ج ۳، ص ۲۸۸، سیوطی، جلال‌الدین، الدرالمثور، ج ۴، ص ۱۳۵.

۸. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ج ۶، ص ۲۵۸-به بعد.

	عصیت قبیله‌ای و نسبت خویشاوندی استفاده می‌کنند. ۳-هدف آنها اعلام برائت از اعمالی است که خود یا حکام ستمگر مرتکب می‌شوند. ۴-هدف آنها ساقط کردن قول و فعل رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه وآله) از اعتبار و حجیت است.			۳-خبر ساختگی است ^۱	
۲۱	رد خبر انتقام مسلمانان در فتح مکه	عامه	کلامی - سیره - روایی ^۳	۱-سوره نحل مکی است. ۲- آیه ۱۲۶	۱-تصحیفی در قرایت صورت گرفته است ^۵

۱. دیاربکری، حسین، تاریخ‌الخمیس، ج ۱، ص ۴۴۱.

۳. سیوطی، جلال‌الدین، الدرالمثور، ج ۱، ص ۴۳۱.

۵. همان، ج ۳۲، ص ۳۴.

۲- کرامت و بخشش رسول الله (صلی الله علیه وآله) طوری است که مثله نمی‌کند ۳- اخبار کسانی چون ابی بن کعب نادرست است. ^۳	نحل برای یادآوری در روز فتح مکه خوانده شد ^۱					
۱- مانند این نوع منع از گریه کردن در رفتار عمر و در مرگ ابوبکر از رسول الله نقل می‌کند که فرمود: میت به خاطر گریه بازماندگانش در عذاب است ^۶ و تحت تأثیر رفتار و اخبار یهودیان است ^۷ ۲- گریه کردن	۱- پیامبر (صلی الله علیه وآله) بر حمزه و جعفر و سعد بن معاذ و عثمان بن مظعون و دیگران گریه کرد و درباره حمزه فرمود: حمزه گریه کن ندارد ۲- تاریخ هم به کرات این	کلامی - سیره - روایی	عامه	۱- هدف این افراد اهانت به رسول الله (صلی الله علیه وآله) است. ^۴ ۲- برای منع گریه فاطمه (س) ۳- از روی هوی است ۴- حربه سیاسی است ۵- مأخوذ از اهل کتاب	مناقشه درباره منع گریه بر میت مناقشه درباره گریه رسول الله (صلی الله علیه وآله) در شهادت حمزه	۲۲

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۶۵-۲۶۴.

۳. همان، ج ۶، ص ۲۶۵.

۴. همان، ص ۲۶۶.

۶. همان، ص ۲۶۶؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۵۶.

۷. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۷۵.

				است		
مطالب را نقل کرده است. ^۱						
رسول الله (صلی الله علیه وآله) برای حمزه به دلیل مصیبتی است که بر اسلام وارد شده است ^۴						
۳- پیامبر (صلی الله علیه وآله) گریه کرد و دستور داد تا مسلمانان برای حمزه گریه کنند. ^۵						
۴- این توصیه برای بیان فضایل و شأن بلند شهدا است ^۶						
۱- قرآن کریم ۲- اخبار ائمه ^۸	۱- سیره اهل بیت (صلی الله علیه وآله) در	روایی - سیره فقهی ^۷	شیعه		تیین فقهی و روایی تقسیم ارث حمزه توسط رسول الله	۲۳

۱. همان، ۲۳۰-۲۳۴.

۴. همان، ص ۲۷۱-۲۷۴؛ ابن اثیر جزری، علی، اسد الغابه، ج ۲، ص ۴۶۸.

۵. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۷۳-۲۷۴.

۶. همان، ج ۷، ص ۲۸۵.

۷. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۳۳۱؛ طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار، ج ۴، ص ۱۷۲.

۸. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۷۵؛ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۲۶، ص ۲۳۶.

	مسئله ارث بر مبنای قرآن و سنت رسول الله (صلی الله علیه وآله) است				(صلی الله علیه وآله)	
۲۴	رد خبر نفسی غسل و نماز پیامبر (صلی الله علیه وآله) برای شهادت احد	عامه	روایی - سیره - فقهی ^۱	۱- این خبر صحیح نیست. ۲- صحیح آن است که نماز خواندند ولی غسل ندادند ^۲ ۳- دریافت علامه بر اساس اخبار ائمہ اهل بیت (علیهم السلام) و اجماع است ^۳	۱- در اخبار است که پیامبر (صلی الله علیه وآله) نماز خواندند ۲- ائمہ حنفی آن را آوردند ۳- دریافت علامه بر اساس اخبار ائمہ اهل بیت (علیهم السلام) و اجماع است ^۳	
۲۵	مناقشه درباره اثبات و تعداد	منابع عامه	روایی و فقهی ^۴	۱- ناظر بر این خبر اخبار		

۱. واقدی، محمدبن عمر، المغازی، ج ۱، ص ۳۰۹؛ دیاربکری، حسین، تاریخ الخميس، ج ۱، ص ۴۴۲.
۲. عاملی، جعفر مرتضی، دراسات.
۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۷۷.
۴. دیاربکری، حسین، تاریخ الخميس، ص ۴۴۱ و ۴۴۲.

	تکبیر پیامبر (صلی الله علیه وآله) بر حمزه				اثمه است. ^۱ ۲-بر ما ثابت شده است که تکبیر بر میت ۵ است نه ۲.۴ ۳-۷ تکبیر که نقل کردند نادرست است ^۳
۲۶	اثبات کفن کردن حمزه	عامه	روایی - سیره ^۴	علامه به سبک افتائات عامه که بر اساس ظاهر قران است؛ اشکال وارد	ارائه دلایل متعدد از منابع خودشان ^۵

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۵۳؛ نهج البلاغه، نامه ۲۸.
۲. دمشقی، ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۴، ص ۴۸؛ عاملی، جعفر مرتضی، دراسات.
۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۷۷.
۴. دیاربکری، حسین، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۴۴۲.
۵. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۷۸؛ سیوطی، جلال الدین، الدرالمشور، ج ۱، ص ۱۳۵.

۲۷	تعبیر شهید برای حمزه	مناقشه درباره تعبیر شهید برای حمزه و دیگران	عامه	سیره و تاریخ ^۱	کرده است
۲۸	فضیلت و سنت زیارت قبر حمزه ^۴			سیره و تاریخ ^۵	کرده است

۱. دیاربکری، حسین، تاریخ الخميس، ج ۱، ص ۴۴۶.
۲. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۸۰؛ واقدی، محمدبن عمر، المغازی، ج ۱، ص ۳۰۰.
۳. همان، ج ۷، ص ۲۸۸-۲۸۹؛ سیوطی، جلال‌الدین، الدرالمثور، ج ۲، ص ۹۴.
۴. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۱۴، ص ۲۱۸.
۵. دیاربکری، حسین، تاریخ الخميس، ج ۱، ص ۴۴۶.
۶. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۶، ص ۲۸۱.
۸. همان، ج ۶، ص ۲۸۱.

					<p>۳- زیارت حضرت زهرا (س) در روزهای دوشنبه و سه‌شنبه بود.</p> <p>۴- فاطمه خزاعیه و خواهرش قبر حمزه را زیارت کردند.</p> <p>۵- اسناد متعدد دیگر هم آورده است.^۳</p>
۲۹	رد خیر قطع رحم پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نسبت به حمزه ^۴			سیره و تاریخ ^۵	با این کارهایی که کردند و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را در شعب محاصره کردند، از شهر راندند تصمیم به قتل او و عمویش حمزه و

۱. همان، ج ۱۴، ص ۲۱۸.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۲۱۸-۲۱۹؛ ص ۲۸۱-۲۸۲ و ۱۹؛ سمهودی، نورالدین علی، وفاء الوفاء، ج ۱،

ص ۶۸-۶۹ و ۳، ص ۱۱۱-۱۱۲؛ واقدی، محمدبن عمر، المغازی، ج ۱، ص ۳۱۳؛ ۳۱۴.

۴. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۱۴، ص ۲۹۲.

۵. دیاربکری، حسین، تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۳؛ ابن هشام، سیره نبویه، ج ۴، ص ۱۰۵۴.

جایگاه حضرت حمزه در آثار علامه سید جعفر مرتضی...:

پسرعمویش عبیده بن حارث گرفتند و تصمیم به خاموش کردن نور حق گرفتند؛ آیا باید پیامبر (صلی الله علیه وآله) را متهم کنند. ^۱					
--	--	--	--	--	--

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۱۴، ص ۲۹۲.